

### نقش انکارناپذیر روحانیت مبارز در پایداری انقلاب

## انحصار گران ر و حانی نما

## به باور مردم آسیب رسانده اند

«شما باید اسلام را نگهدارید و به سلهای آتیه بسپارید تا مبادا حدای حواسته امروز اسلام لطمه و آسیب ببیند»  
«امام خمینی»  
در صفحه پنجم

## به تهدید آمریکا پاسخی شایسته دهید.

دادرسی جاسوسان بازداشت شده دفتر بسیاری از توطئه ها را می بندد

امپریالیسم آمریکا به زندگی جاسوسان بازداشت شده خود، مانند صدها و هزارها و میلیونها هیچ ارزشی نمی دهد و آنچه برای آن اهمیت دارد، بهره‌وری اقتصادی و سیاسی در منطقه است. بقیه در صفحه هفتم

### در حفظ ارزش پول کشور سستی روا نیست

بانک مرکزی باید وظیفه خود را با قدرت انجام دهد.

کار بدستان کشور اعلام داشته اند که مشکل اسکناس به رودی رفع خواهد شد و برای جمله افزودند که در اساس «مشکل اسکناس» در میان نبودند بلکه مشکل کاغذ «پدائی تنگناها را سبب گردیده است و بشارت داده اند که به رودی بارهای اسکناس از راه میرسد و هر دشواری برطرف میشود.

با آگاه شدن بر آنچه کار بدستان در زمینه پول کشور بیان کرده اند، در ذهنها نگریهای بسیار پدید آمده نگرانی از سرنوشت پول کشور. پول در هر کشور، چه در کشورهای کاپیتالیستی و چه در کشورهای کمونیستی سه وظیفه اصلی به عهده دارد پول واسطه مبادله و سنجی ارزشها و ذخیره کننده ارزشها است. حجم پول در گردش هر کشور باید با نیازمندیهای اقتصادی و قدرت تولیدی آن تناسب داشته باشد. اگر حجم پول از تناسب قدرت تولیدی کشور فروری گیرد، بریکی از وظیفه های اصلی آن که ذخیره کننده ارزشها است لطمه اساسی وارد خواهد آمد و در اینصورت مردم، دیگر پول را به عنوان وسیله ای برای پساندار کردن نخواهند شناخت. ریرا بر اثر فروری بی تناسب حجم پول بی گفتگو ارزش آن سقوط میکند یا به عبارت دیگر ارزش کالاها فروری میابد و در این حال نگاه بقیه در صفحه دوم

## نوجوانان ایران قیام نمی خواهند

### از هجوم به دانش آموزان دست بردارید

تفاهم از فضای آموزشی رخت بر بسته

## انتخابات در هنگامه کنونی

### سخت نارواست

### چه تضمینی بر آزادیهای اساسی وجود دارد

### شیوه های انحصاری گری را در گزینش دیگر نمایندگان کنار بگذارید

اجرای پذیرفته اند، گفت «بحث و بررسی در این مورد هنوز ادامه دارد.»

تصمیم در مورد برگزاری انتخابات در حال حاضر بسیار نگرانی آور است. زیرا انتخابات باید در شرایطی صورت گیرد که نامزدها بتوانند آزادانه در حوزه انتخابی خود به تکاپو پردازند و برداشتها و پیشنهادهای برنامه های کار خود را به آگاهی رای دهندگان برسانند و نیز بتوانند با گفتگوهای حضوری با مردم هر ناحیه ذهن ایشان را به هدفها و شیوه های مورد نظر خویش سوق دهند.

نامزدها باید بتوانند از برنامه های یکدیگر و همچنین از شیوه های اداره کشور، انتقاد کنند و راههای بهتر و تازه تر، و یا دست کم راههای دیگری، برای چرخاندن کارها پیشنهاد نمایند. بقیه در صفحه دوم

معاون سیاسی وزارت کشور درباره تاریخ برگزاری انتخابات برای گزینش نمایندگان نامزدها گفت: «این انتخابات تا یکماه دیگر برگزار خواهد شد و تعداد نمایندگان که در این دوره به مجلس راه خواهند یافت حدود سی نفر از هفده منطقه پیش بینی شده است. وی در مورد انتخاب دو نفر جانشین نمایندگان تهران که کار

## بازسازی کشاورزی ایران به تخصص و تجربه نیاز دارد

### برنامه ریزی در کشاورزی بدون شناخت نیازها، شدنی نیست

پس از گذشت بیست و دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و روزگار آمدن سه وزیر با طرز تفکرهای گوناگون، هنوز کشاورزی مانند سایر بخشهای اقتصادی کشور دارای هیچ نوع برنامه و هدف روشنی نیست و عملکرد این مدت فقط انجام کارهای روز مره در چهار چوب نظام اداری پوسیده گذشته بوده است.

هنوز سیاست عمومی دولت در بخش کشاورزی بطور آشکار تعیین نشده است. هنوز هیچکس نمیداند که چه شیوه تولیدی مورد قبول می باشد و برای بازسازی کشاورزی آسیب دیده ایران از چه روشی پیروی خواهد شد و بالاتر از همه، هنوز میزان و چگونگی مالکیت زمینهای کشاورزی قطعی نگردیده است. بقیه در صفحه سوم

تلاش برای حاکمیت یک حزب بگونه تنها قدرت مسلط بر تفکر جامعه در تمامی بخشهای فرهنگی آن، در شرایطی که مردم تدارک پیروزی در «نبرد میهنی» را می بینند و نگران سرنوشت ایران هستند، روز بروز فزونی می گیرد.

## چشم انداز تیره کشور نابسامانیها به او ج رسیده است ایران و انقلاب را دریابید

چشم انداز عمومی و کلی کشور سخت ناگوار است و خبرهایی که از زمینه های گوناگون اداره کارها می رسد، نگرانی آور و غم انگیز اقتصاد کشور که باید بر اثر، انقلاب و جنگ به پویایی و رونق درآمده باشد، به حالی نزار تر از دوران پیش فرو مانده.

بیگاری به صورت فاجعه ملی درآمده و نیروی انسانی مردم که باید تولید کننده ثروت و رفاه و پدید آورنده پیشرفت باشد، به گونه ای بی مانند به رکود و بی حاصلی گرفتار آمده.

کشاورزی کشور که پس از پیروزی انقلاب کانون بیشترین توجه و سرمایه گذاری بوده، نه تنها از پیشرفت نشانی ندارد، بلکه میزان فرآورده های که از خارج خریداری میشود بر هر سال دیگر فزونی یافته، نماینده مردم شهرستان گنبد کاووس از حادثه هول انگیزی خبر می دهد و می نویسد که کشاورزی در آن ناحیه، ثانوی درصد قدرت خود را از کف داده، این سخن بدان معنی است که یکی از بارورترین ناحیه های کشور، بی هیچ علت روشن، بدون بار مانده است. سرمایه گذاری صنعتی، به گونه ای افسانه های کهن از دستور کار اقتصادی کشور حذف شده.

نظام بانکداری کشور، که می باید مرکز گرد آوردن پس اندازها و وسیع سرمایه ها برای آبادانی باشد، باز مانده و دست اندر کاران، ناتوان از به کار بستن قاعده های علمی و اقتصادی، می کوشند با اندرز و خواهش مردم را برانگیزند تا پولهایشان را به بانک بسپارند.

بانک باید چنان کانونی باشد، که هر کس آن را شایسته ترین و امن ترین جایگاه برای نگاهداری پول خود بداند، در یغا که در نظام بانکی این خصلت اساسی بانکداری گم گشته و بانکها از ایفای وظیفه خود باز مانده اند و حتی در امانت داری هم ناتوانی نشان می دهند.

مدرسه ها که باید محل پروردن نیروهای عاطفی و فکری نوجوانان باشد و باید در فضای آن مهربانی و آموزندگی موج بزند، مرکز درگیری و برخورد شده و دانش آموزان با آزار و زندان روبرو گردیده اند.

از انقلاب آموزشی، تنها خاموش ماندن چراغ دانشگاهها و مدرسه های عالی، بچشم می خورد و این مرکزهای ارجمند فکر و دانش و فرهنگ در کام تاریکی و بی حاصلی فرو رفته است.

از چگونگی گذران یک میلیون آواره جنگی، هیچ خبر روشنی بازگو نمی شود و بر سر زبانها داستانهای دلخراش از زندگی این مردم آسیب رسیده است. بقیه در صفحه دوم

## سرانجام غلبه با ملتهاست

### لهستان به نگهداشت هستی تاریخی خویش برخاسته

### تهی شدن مارکسیسم از خصلت های ادعائی خود

«طبقه کارگر» که مارکس آن را بیرونی ایستادگی ناپذیر می دانست در لهستان به رودرویی با «حزب کمونیست» لنینی برخاسته است.

کارگران کشتی سازی های کرانه های بالتیک آغارگر این جنبش حماسی که اکنون چهار ماه از آن می گذرد، بودند. نخست کارگران برای اعتراض به کمپایی و گرانی گوشت به تظاهر و اعتصاب برخاستند و نظام حاکم با سرعت قیمت گوشت را کاهش داد و توزیع عادلانه آن را وعده کرد و به این وعده نیز جامه عمل پوشاند ولی آشکار بود که «گوشت» همه ماجرا نیست و کارگران تنها برای آن به میدان نبرد نیامده اند.

بسیار آرزوهای مردم لهستان که سالها سرکوب شده بود در رزفای ضمیر کارگران می جوشید و آنان را به ررم برمی انگیخت.

مبارزان در آغاز سخن از «گوشت» به میان آوردند و سپس از افزایش دستمزدها، از آن رو که بقیه در صفحه چهارم

## چو ایران نباشد تن من مباد

ارگان حرب ملت ایران

### نبرد میهنی

ای جوانان نیست ایران را زبده خواه ایمنی  
 قد برافزاید در راه نبرد میهنی  
 گاه آسایش نباشد موسم جنگ است جنگ  
 جنگ را آماده باشید ای به نیروها غنی!  
 سوی میدانها شتابید ای جوانان وطن  
 صدمه بر دشمن زنید آن خیره صدام دنی!  
 کی توان خواندن بشر (صدام) را کاهریمن است  
 گلشنی را گلشنی خون، گلخن را گلخن!  
 آنکه چون دیوانه‌ی زنجیر بگسسته بقهر  
 راند لشکر سوی ایران با سلاح دشمنی!  
 گرگ خون آشام تازی زانسوی (اروند رود)  
 سوی ایران حمله آورد از پی شیر اوژنی!  
 از جهالت بی خبر کاندل مضاف کارزار  
 گرگ را با شیر نازیباست لاف همگنی!  
 سخت نبود گر خروسی با خروس آید بجنگ  
 لیک در پیکار شاهین چند یابد ایمنی؟  
 رستمی باید که جوید جنگ با اسفندیار  
 ورنه (ارجاسب) کجا و صولت «روئین تنی»  
 هم نبرد کشور ایران کجا باشد عراق  
 غیر (نستین) که برتاید نهیب (بیژنی)؟  
 اختلال کسار ایران تا زیان را غره کرد  
 تا که برما تاختند از پاسگاه رهزنی!  
 بی محابا سوی ایران مرز، روی آور شدند  
 همچو بر انبار گندم موشهای خرمنی!

اختلاف داخلی در راه کسب اقتدار  
 کرد دشمن را جری در دعوی ما و منی!  
 از عراق آمد سپاهی سوی ایران کینه جوی  
 در زمین و در هوا آماده بنیان کنی!  
 مردم غیر سپاهی را به بمباران گرفت  
 شرم ننمود از بتر کاری بدین مستهجنی!  
 این سر نخ در کف ارباب (صدام) است و بس  
 آنکه باشد باب و صفش هجوهای (سوزنی)!  
 کیست صدام، آن گریبان چاک عشق زور وزر  
 گامزن در راه خون آشامی و تردامنی!  
 آنکه دارد در پی احیای مجدد تازیان  
 دعوی برتر نژادی همچو (گرگ ژرمنی)!  
 گرچه در (بغداد) شد فرمانروا، فرمانبرست  
 گه زروسی گه ز آمریکائی و گه لندنی!  
 گرچه سربازان تازی سوی ایران تاختند  
 سخت چون اهریمنانی گرم تاز ریمنی!  
 لیک نیروی مدافع رستم آسا در نبرد  
 کرد دشمن رازبون چون پیر زال شیونی!  
 خلق ایران جمله دفع دشمنان را یکدلند  
 مسلم و کبر و یهود و عیسوی زاد ارمنی!  
 گر بود خشنود کاندل (قصر شیرین) رخنه کرد  
 خرد سازند استخوانش تا شود پرویز نی  
 آفرین بادابه (خرمشهر) کز ایثار خون  
 گشت خونین شهرنماش در نبرد برزنی  
 شهر (آبادان) که شد محصور آتشبار خصم  
 سخت پایرجاست اینک همچو کوه آهنی

آفرین بر شهر (دزفول) آنکه گر کوبیده گشت  
 گاه جانبازی نداد از کف ثبات هاونی  
 آفرین بر جانفشان سرباز کاندل راه جنگ  
 بر تنش پیراهن از غیرت نماید جوشنی  
 (برعشایر) و آن (سپاه پاسداران) صد درود  
 کاهنین جنگند چون شیران (دشت ارژنی)  
 دست حق پشت و پناه جمله سربازان ما  
 کزدل و جانند کوشا در پی خصم افکنی  
 بر شهیدان وطن با دادا درود بیشمار  
 مینوی مردان جاویدان به والا مسکنی  
 \* \* \* \* \*  
 باری ای ایرانیان گردیده «خوزستان» ما  
 سر بسر آماج جغد و کینه اهریمنی!  
 دفع دشمن کرد باید بانو آئین ساز و برگ  
 پیش از آن کز شاخ نصرت میوه باید چیدنی!  
 زیخت باید بر سر خصم دغل، باران تیر  
 چون تگرگ سرشکن ریزان زابر بهمنی!  
 باید آوردن برون از روزگار وی دمار  
 چونکه گشت این مار قاتل، از دهایی کشتنی!  
 راند باید این تجاوز پیشه راز پیش روی  
 باگران مشت و گران تیپا و پشت گردنی!  
 تا بداند میدرندش آخر از دندان و چنگ  
 بادم شیر آنکه بازی سردهد از کودنی!  
 طالع بد خواه ایران تیره گون با دادا (ادیب)  
 تابود بر طاق گردون مهر و مه راروشنی  
 از ادیب برومند شاعر ملی

### چشم انداز تیره کشور

روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی باید بر انگیزنده روح  
 پیشرفت و گشاینده افقهای تازه فکری و سیاسی اجتماعی  
 باشند، در گفتگوی دردناکی فرو افتاده‌اند که تخصص  
 لازم است یا نه.  
 از شهرستانهای کشور خبرهای زد و خورد و درگیری و  
 تشنج و بازداشت و دادرسی و زندانی کردن می‌رسد.  
 نزدیک به دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت  
 ایران، تصمیم به تشکیل هیئتی گرفته شده تا شایعه  
 شکنجه دادن زندانیان را بررسی کند، بی توجه به نتیجه  
 کار و چگونگی گزارش این هیئت، عنوان شدن چنین  
 ضرورتی در فضای سیاسی و قضایی کشور، نشانه‌ای  
 سخت گویا از ویرانی عاطفی و ریزش اخلاقی است.  
 در جبهه‌های جنگ، دشمنی ناتوان و بی قدر، برایان  
 درشتی می‌کند، و با آنکه هر روز از فرو کوفتن آن خبرها  
 می‌دهند ولی همچنان بر این سرزمین گرامی ایستاده و  
 چنان می‌نماید که فرماندهی با همه کارسازی و دلیری  
 جنگ‌آوران از پویایی شایسته برخوردار نیست.  
 بی هیچ کزاف گویی، امید به فردای روشنتر هر چه  
 بیشتر رنگ می‌بازد و پیوسته بر شمار دلسردان و  
 سرخوردگان، افزوده می‌شود.  
 دولت و سازمانهای دولتی که باید مرکز جوش و  
 ابتکار باشد و باید در این برهه تاریخی، مردم، گاهی در  
 راه بر طرف کردن دشواریها بردارد و باید کانونی امید  
 آفرین و شوق انگیز باشد، به گونه‌ای حیرت‌آور در کام  
 بی خبری جای گرفته و از پدید آوردن همتگان و  
 ره‌پیشرفت ناتوان مانده است.  
 در بامداد پیروزی، همه مردم امید داشتند و چنین  
 می‌پنداشتند که دو سال دیگر، سراسر کشور را آبادی و  
 آسایش و امید فرا خواهد گرفت.  
 بدین‌ترین مردم، در فجر پیروزی، هرگز پنداری این  
 چنین تاریک از آینده میهن نداشت و افسوس که آن  
 روزها و آن خواسته‌های پراح فرو خفته است.  
 دریفا که اندیشه‌های والا و انسانی انقلاب راهگشای  
 جوش ملی به سرزمین آزادی و آسایش و دادگری نشد  
 دریفا، که همه این اندیشه‌های والا، حربهای کماثر در  
 دست سیاستگران شد تا به یاری واژه‌های آن دست  
 رقیبان را از کارهای کشور کوتاه کنند.  
 و ای دریفا که به بهانه اندیشه‌های ارجمند انقلاب در  
 خزانه فکری و فرهنگی ملت ایران، رفت و رو بی‌س ناگوار  
 به راه افتاده و بی هیچ ضرورت راستین بر جدول ارزشهای  
 بلند و انسانی ایرانیان خاک می‌پاشند.  
 هر گوشزد که بایسته بوده است گفته و هر هشدار  
 که شایسته بوده است بیان گردیده و اینک بار دیگر با این  
 تصویر کلی از روند رویدادهای کشور از کار بدستان  
 خواسته می‌شود به خود آیند و آنان که توانائی راهگشایی  
 در این انبوه دشواریها را ندارند از کارها بر کنار روند،  
 باشد، ایران دیرینه سال از این ورطه رهسائی یابد و  
 دوران سازندگی انقلاب با نظم و کار آغاز شود.

### انتخابات در هنگامه کنونی

در شرایط حاضر، پرداختن به  
 چنین گفتگوها، به ویژه در  
 حوره‌های دور افتاده کشور، به  
 طور طبیعی واکشش‌هایی  
 بر خواهد انگیزد که ممکن است  
 کشمکش‌هایی را میان  
 شخصیتها و سازمان‌های سیاسی  
 پدیدار سازد.  
 همه می‌دانیم که در مجمع کنونی  
 دولتمردان و حزب حاکم در شنیدن  
 و حرمت گذاشتن بر نظرهای  
 گوناگون، کم تحمیلی چشمگیری  
 از خود نشان می‌دهند، و عرصه  
 نوشتن و گفتن را بر بسیاری از  
 یاران و قادار انقلاب تنگ کرده‌اند  
 و حربهای دیگر به لحاظ حفظ  
 «همبستگی ملی» و به لحاظ  
 نگاهداری آرامش و به لحاظ  
 پرهیز از درگیری، که لارمه  
 رعایت شرایط جنگی است، از بار  
 نمودن نارسایی‌ها و آشکار  
 داشتن ناتوانی‌ها خودداری  
 می‌کنند. در چنین هنگامه‌ای  
 چگونه میتوان به ناگهان، ماحرای  
 پر جوش و حرور انتخابات را به  
 راه انداخت و برخوردهای تازه  
 پدیدار ساخت.  
 جریان آزاد انتخابات به طور  
 قطع و یقین می‌باید به نامردها  
 آقدر امکان بدهد که از چگونگی  
 اداره کشور انتقاد کنند و  
 اصلی‌ترین حلوه آزادی انتخابات  
 آن است که هر نامرد بتواند،  
 نارسائی‌ها، تنگناها و شکست‌های  
 دستگاه دولت را به روشنی بارگو  
 کند  
 جریان انتخابات در حقیقت  
 باید رنده‌ترین و پرهیجان‌ترین  
 صحنه برخورد اندیشه‌ها و  
 بررسی عملکرد حرب حاکم  
 باشد.  
 اگر در جریان انتخابات مردم  
 نتوانند از دولت و حرب حاکم  
 انتقاد کنند و ناگشایها و  
 ناتوانی‌های آنان را بار نمایند  
 دیگر آزادی انتخابات معنایی  
 ندارد.  
 در شرایط جنگی کنونی که  
 بارگفتن بدام گاریها و حتی

### در حفظ ارزش پول کشور

داشتن پول برای هیچکس دلپذیر  
 نخواهد بود، زیرا پول در ابحال  
 نمیتواند ارزشها را در حدود  
 دحیره کند و به ناچار هر کس  
 خواهد کوشید، ارزشها را در  
 کالاها پس‌انداز کند.  
 در احرای این حواست  
 ماحرای در جامعه پدید میاید که  
 به نام «فرار از پول» شناخته شده  
 است و همه در صدد برمی‌آیند  
 پول را به کالایی تبدیل کند  
 و آن کالا را به گونه‌ای ارزش  
 ذخیره شده برای حویشت  
 نگاهدارد.  
 درمبادله کردن پول با کالاها  
 بحست سراع از کالاها کم حجم  
 و گرانیقیمت میگیرند و سپس به  
 سراغ هر کالای دیگر میروند و این  
 روند روز به روز وبی هیچ گراف  
 شاید لحظه به لحظه شتاب  
 میگیرد تا آنجا که در بازار کالای  
 قابل خرید باقی نمیماند.  
 در چنین حالی آنان با کار  
 وتلاش در طول سالها نتوانستند  
 اندک مبلغی پس‌انداز کنند  
 ارزش آنچه دارند به ناگهانی از  
 دست میروند و هر کس که  
 کالایی احتکار کرده است به  
 واکنش نشان می‌دهد.  
 نمایدگانی که در این تنگنا  
 بر گریده و راهی مجلس شوند به  
 طور قطع و یقین از حرمت کافی  
 در حوره انتخاباتی و در برد مردم  
 کشور برخوردار خواهند بود.  
 مردم برگزیدن نمایندگان را  
 در شرایطی این چنین دنیاله و  
 ادامه روش انحصارگری  
 می‌شاسند و با آن به ستیره  
 بر خواهند حاست. اندر به کار  
 بدستان کشور این است که از  
 اجرای چنین تصمیمی  
 بگردند و سبب سار تشنج‌های تازه  
 در ناحیه‌های گوناگون کشور  
 شود و بر خواهند که رمیمای  
 برای درهم شکسته شدن بیشتر  
 یکپارچگی مردم فراهم آید و بر  
 خواهند که از اعتبار مجلس بیش  
 از این کاسته گردد.  
 سرعت تروت سرشار به کف  
 می‌آورد.  
 چون بیشتر مردم،  
 پس‌اندازشان به صورت نقدیه  
 است و تنها شمار اندکی از مردم،  
 کالاها پیوسته احتکار  
 کرده‌اند، در نتیجه اکثریت  
 پس‌انداز کننده، بی‌چیرتر و اقلیت  
 احتکار کننده ثروتمندتر  
 میشود.  
 در این میان وضع مردبگیران از  
 همه دلخراش‌تر خواهد بود. زیرا  
 افزایش سریع قیمتها امکان  
 نمیدهد که ایشان بتواند نامرد  
 ثابت خود بیارمندیهای حویش را  
 تدارک کند و در نتیجه رندگی  
 آنها آشفته‌تر میشود  
 «مشکل اسکاس» در حقیقت  
 «مشکل کساد» بیست بلکه  
 مشکل دحیره کردن ارزشها است  
 و هر تصمیم اقتصادی موجب  
 شده که قدرت پول بر دحیره  
 کردن ارزشها کاهش یابد  
 صربه‌های مرگار میباشند بر رندگی  
 اکثریت سررگ مردبگیران و  
 تهیدستان.  
 حجم اسکاس در گردش فقط  
 آنگاه میتواند افزایش یابد که با  
 قدرت اقتصادی کشور افزایش  
 یافته باشد یا اداره پشوتوانه  
 اسکاس فرونی گیرد و چنانچه  
 در غیر از این دو حالت بحرحم  
 پول بهیراید سد ویرانی اقتصاد  
 کشور را امضاء کرده‌اند  
 برای آنکه هیچ تردید و  
 شبه‌های درباره پول کشور پدید  
 نیاید حا دارد که بانک مرکزی  
 ایران به روشنی وضع پول ایران  
 را برای همگان توضیح دهد و  
 مورد‌های ریر را تعیین کند.  
 ۱- حجم پول در کشور چه  
 اندازه است و افزایش آن  
 در بیست و دو ماه گذشته از چه قرار  
 بوده است.  
 ۲- پشتوانه پول کشور از  
 لحاظ طلا و حواهر و دحیره آری  
 چه میزان است  
 بقیه در صفحه ششم

### بازسازی کشاورزی ایران

هنوز در مورد لایحه تصویب شده اصلاحات ارضی بین فقها و صاحب نظران و کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد و نحوه پیاده کردن و معیارهای سنجش و شناخت عاملهای تولید در آن ناقص و ناراست می باشد.

طبیعی است که پس از هر انقلابی سازندگی آسان نخواهد بود ولی بطوریکه همه میدانند در این بخش از اقتصاد کشور، هیچ دگرگونی پدید نیامده و نارسائی ها و نابسامانی های دیگری نیز که زائیده نداشتن تخصص و بی تجربگی دست اندر کاران است مبرود و تابکلی کشاورزی را فلج کند.

در نامه آرمان ملت چندبار به کار بدستار کشاورزی ایران تذکر داده و راهنمایی شده است که برای سازندگی باید برنامه داشت و برای تنظیم و تدوین برنامه باید نیازها را شناخت، شناخت نیازها بوسیله هر فردی سودمند نیست، شناخت باید توسط کسانی انجام یابد که دارای بینش و تخصص و تجربه هستند.

گذشته از این، کشاورزی که بخشی از اقتصاد را تشکیل میدهد چون زنجیری با سایر بخشهای اقتصادی پیوستگی دارد و در نتیجه برنامه ریزی بدون در نظر گرفتن زمینه کار سایر بخشها باشد.

اقتصاد زمانی شکوفا میشود که هم آهنگی و برنامه ریزی در بخشهای مختلف آن تکمیل کننده یکدیگر گردد و در جهت نیاز و سود ملی گام بردارد.

همچنین برنامه ریزی های درون بخشی مانند برنامه های دراز، میان و کوتاه مدت نیز باید در جهت تکمیل یکدیگر باشند، نه در جهت تخریب هم.

با شناخت نیازها و توجه به داده های طبیعی و امکانات در بخش کشاورزی چون آب، خاک و هوا باید برنامه تولید فرآورده های زراعی و دامی تهیه و مرحله اجراء در آید.

زشت ترین و کشنده ترین نوع وابستگی، داشتن نیاز در مورد تهیه مواد غذایی بدیگران میباشد که قطع آن نیز دشوارترین قطع وابستگی بخارج است، باید توجه داشت که فقط با گفتار و نوشتار و شعارهای زیبا و دلپذیر قطع این وابستگی ها امکان پذیر نخواهد بود.

بدبختانه در اثر سیاست نادرست و استثمار نظام گذشته بقیمت نابودی کشاورزی ایران رشته های این وابستگی استوار گردیده و در این دو سال نیز که از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران میگذرد کوشش سازنده ای در جهت قطع آن برداشته نشده است.

البتة دست اندر کاران کشاورزی ادعا می کنند و در مصاحبه های خود چندین بار اعلام داشته اند که در مورد گندم کشور بمرحله خود کفائی رسیده است ولی از طرف دیگر رسانه های گروهی، خبرهایی در مورد خرید گندم و حمل آن از خارج درج مینمایند که نشان دهنده خلاف گوئی آنهاست.

اگر کشور خود کفا شده است،

چگونه و برای چه منظوری گندم خریداری و به ایران آورده میشود و اگر چنین نیست، چرا ملت ایران آگاهیهای نادرست میدهند؟

شاید اشتباه آنها از اینجاست سرچشمه میگیرد که سطح زیر کشت فرآورده های دیموایی را در نظر میگیرند و البته از این حیث شاید در اثر نگاه داشتن سایر فرآورده ها و نه در نتیجه آباد کردن زمین های بایر، سطح زیر کشت گندم در سال ۱۳۵۸ رقمی نزدیک به سی در صد افزایش یافته باشد.

از نظر کشاورزی این خود یک فاجعه بشمار میرود که سطح زیر کشت افزایش داشته باشد ولی میزان فرآورده کاهش یابد، که باید با کمال تأسف اعتراف نمود، این فاجعه هم به علت عدم کاردانی و کارائی مسئولان بوقوع پیوسته و با وجود افزایش سطح زیر کشت گندم در سال ۱۳۵۸ میزان برداشت آن رقمی کمتر از میزان برداشت سال ۱۳۵۷ را نشان میدهد.

این نوع نارسائیها که ناشی از نداشتن برنامه و مدیریت درست است، بطور کلی میتواند نتیجه عدم شناخت توان زمین، آشنا نبودن با روش درست آبرسانی، کمبود بذر سالم و اصلاح شده، ناتوانی در کود رسانی و سمپاشی به هنگام و سرانجام نبود کارائی در شبکه ماشین آلات کشاورزی از یک طرف و نداشتن سیاست صحیح در مورد قیمت گذاری ها، خرید و حمل باشد.

بسیار توجیه داشته در کشورهایی که قیمت گذاری برای فرآورده های کشاورزی طرح است حتی اگر دارای آب و هوای همگن باشند، قیمت گذاری را بطور منطقی عمل میکنند چه رسد به ایران که با توجه به وسعت خاک و تغییرهای آب و هوا، تعیین قیمت واحد برای فرآورده های کشاورزی دشوار میباشد و اینکار به بررسی دقیق نیازمند است تا روشن گردد هزینه تولید یک تن گندم برای کشاورزی سیستانی یا مازندرانی یا آذربایجانی یا کردستانی یا فارسی و یا خوزستانی چه اندازه می باشد.

اکنون بهتر است کار بدستار وزارت کشاورزی و عمران روستائی به عوض دادن آگاهیهای گمراه کننده به مردم با کارشناسان و اجرا کنندگان طرحها گرد هم آیند و این نارسائیها را ارزیابی و از میان بردارند و با شناخت عاملهای بازدارنده در افزایش تولید این فرآورده ضروری برای سال زراعی آینده پیش بینی های لازم را بنمایند.

تأمین نیازهای سال زراعی آینده که هم اکنون آغاز شده است به تهیه برنامه کوتاه مدت احتیاج دارد که در آن کمبودها و دشواری های کلیه کشاورزان و دامپروران ایرانی در نظر گرفته شود.

باید توجه داشت کسانی که تولید مواد پروتئینی میپردازند در اثر نارسائی های فراوان به مرز نابودی رسیده اند، کمبود علوفه و دان و نبودن مواد اولیه در بسیاری از دامداریها و مرغداریها و واحدهای کشاورزی که بحق

### نوجوانان ایران قیم نمی خواهند

مفهومهای تازه بر مبنای هدفهای خاص انحصارگران به فقر اندیشه و اخلاق جامعه انجامیده است.

دیگر کمتر نشانی از جدول ارزش های انسانی که سیر زندگی ایرانیان را ترسیم می نمود، می توان یافت.

نه تنها آن هم نوازی و همراهی روزهای انقلاب از بین رفته که نظمی خشن تر و پلیسی تر از گذشته بر شهرها و روستاهای یکدست و مهربان ایران سایه افکنده است.

رشته نازکی از رابطه! چماقی است مرگ آفرین و مزبتهائی است رویائی! نه در صفها بسایید ساعتها به انتظار ماندن نگران نفت و شکر و قند و ... بود!

شگفتا که داعیه داران پیشگامی در انقلاب با دست یازیدن به عملکردهای زشت آریامهری، خاطره ای ستم بیگران آن نظم آه سریریمی را زنده می کنند!

نگاهی گذرا به رویدادهای تلخ در سراسر میهن به خون نشسته، گواه راستین این ادعا است. بسته شدن دانشگاهها و مدرسه های عالی، به سانسور کشیدن رسانه های گروهی، حصر آزادی های فردی و اجتماعی، رواج بازار تهمت و توهین زیر پوشش های گوناگون یکی به دنبال دیگری نمونه های روشن حرکت به سوی یک نظام خود گامه است.

دریغ که در این رهگذر، پای معصوم ترین گروه اجتماعی که خود پرچمدار انقلاب بودند و خاطره با شکوه کوششهایشان در چار دیواری مدرسه ها و در پیچ و خم کوچه ها و خیابانها که سرانجام سیاهی شب را با سرخی خون به طلوع کشید، هنوز بردلها جاریست نیز به مهلکه کشیده می شود.

چون و چندی راهپیمائی دانش آموزان دبیرستان مهرگان شهر قم را به کنار بگذارید و تنها به نفس آنچه پیش آمده اندیشه کنید.

همه خوب میدانند میانگین سنی دانش آموزان دبیرستان از شانزده تا هجده سال است و از یاد نباید برد که به پسر و دختر شانزده ساله ایرانی در نظام جمهوری اسلامی حق شرکت در رأی گیریها داده شد. انسانی که به چنان درجه از رشد فکری رسیده که فرصت گزینش چگونگی حکومت و پاسخ به نیازهای جامعه در رابطه با پذیرش یا عدم پذیرش قانون اساسی و سرانجام گزینش رئیس جمهور، انتخاب نماینده به وی داده می شود، چگونه از درک درستی و نادرستی حُرکتی اجتماعی ناتوان و در خور داشتن قیم سیاسی تصور می گردد؟! زشت تر آنکه قدمهای بی گناه این نوجوانان را در یک راهپیمائی که بی گمان انگیزه های جز دلهره های روزافزون از جو حاکم بر جامعه ندارد، ناشی از غرض ورزی معرفی می کنند و این سرباز واقعی انقلاب را «ضد انقلاب» نام می نهند!!

هنوز هیچ پدر و مادر ایرانی هجوم وحشیانه ی پاسداران نظام سلطنتی را به مدرسه ی پسرانه خوارزمی از یاد نبرده که چگونه فضائی پاکش پس از پایان آن کشتار، با کفش های خون آلود و

کیف و کتاب سرخ و درو دیوار سوراخ شده یادآور حمله مغول بود.

دریغ که در نظام جمهوری اسلامی با آنهمه نویدهای دلنشین که بر باورها نشست و تلخی آن روزهای سخت و نکبت بار را به شیرینی کشانید، یکبار دیگر این مردم ستم کشیده، باید در دبیرستان دخترانه خوارزمی، شاهد سروروی خون آلود فرزندان خود باشند و نگران زندان و شکنجه و محروم ماندن از تحصیل و آینده آنها!!

آسمان چه بلایی بر سر ایران باریده که اینسان تیشه به دست بی امان و بی ایمان به جان عزیزترین نوجوانان آن می افتند؟ سالمندترها به جهنم، این گلبرگهای هنوز شبنم بهاری نجشیده را به کدامین دوزخ می کشانند؟

این برجسهای چندش آور از کدامین کوله بار بیرون کشیده شده است؟! چرا واکنش طبیعی فرزندان این مرزوبوم را در برابر اختناق و یک بعدی نگری، توسط نام می نهند؟! چرا با تمامی گفتارها و رفتارها، مردم را به یاد ساواک و ساواکیها می اندازند؟! بهانه برای تعطیل دبیرستان مهرگان قم راهپیمائی دانش آموزان بود، یورش به دبیرستان ابوریحان تهران و ضرب و شتم پسران شانزده تا هجده ساله با چه دست اویز انجام گرفته است؟! زخمی کردن هفده دختر دبیرستان خوارزمی را چگونه توجیه می کنند؟! چرا به جای استفاده از تهدید و فشار و دروغ به یک بررسی خردگرایانه دست نمی زنید و علت اصلی واکنشها را در نمی یابید؟! اگر با سلاح آتشین به آموزشگاه و کلاس رفتن زشت و اسفبار باشد تنها برای گاردی های دستگاه استبدادی و وابسته به بیگانه در شانزدهم آذرماه سال ۱۳۳۲ و سیزدهم آبانماه ۱۳۵۷ نیست بلکه برای دست اندر کاران جمهوری اسلامی ایران زشتتر و اسفبارتر است، زیرا که از آن نظام جهنمی هیچ ایرانی مبارزی انتظاری جز گلوله و مرگ نداشت ولی شما که داعیه دار تحمل زندانها و شکنجه های آن پلیدان هستید چرا؟! چگونه می توانید از آسیب مغزی که دودختر دانش آموز را تا پای مرگ کشانده است، شرمسار و سرافکنده نباشید؟! چه الیتمی برای خانواده های به اندوه نشسته آنان تدارک دیده اید؟! اگر بر راستی از پیشستیانی فرزندان این آب و خاک برخوردارید چه نیازی به پرورش جاسوس و گسترش روحیه ی فتنه انگیزی و دروغ پراکنی است؟! اگر نمی دانید و تا بحال کسی به گوشتان نرسانده که «مری» امور تربیتی» در آموزشگاهها نقش همان «مأمور حفاظت» را ایفا می کند با صدای رسا باید اعلام داشت که اینها، این تازه «مکتبی» شده ها بسیار بدتر از آنها رفتار می نمایند!

دانش آموزانی که تا سال گذشته با هم و در کنار هم درس خواندند و صمیمانه به گفتگو می پرداختند. و بر خورد اندیشه هایشان با دل های مهربان و بلند نظری های درخور سن آنها توأم می گردید و مدرسه را معنای واقعی می بخشید، از برکت جاسوس پروری ها و نفاق افکنی ها و خط کشی های غرض ورزانه اینان به دشمنان خونی یکدیگر بدل شده اند و تفاهم و دوستی از فضای آموزش رخت بر بسته است. نه مدرسه ایمن است، نه کلاس نه خانه نه خیابان، نه مدیر و معلم پنهان نه همکلاسی و نه همشهری و نه از پدران و مادران کاری ساخته است.

تغییر مدیر و ناظم با فشار و تهدید، تغییر نام مدرسه با فشار و تهدید، تحمیل معلم کم سواد و بی تجربه با فشار و تهدید، در این سرای وحشت این معصوم های بی غل و غش، این پرورش یافتگان روزهای خونین انقلاب و شبهای گلوله باران چه سرنوشتی خواهند داشت؟! بالا گرفتن زمزمه تعطیل دبیرستانها و مدرسه های راهنمایی دلیلی است آشکار بر علت فزونی درگیری های وحشیانه!

چه کسانی و چه گروههایی از بسته شدن مدرسه ها بهره می گیرند؟ آیا جز آنها که دانشگاهها و مدرسه های عالی را به تعطیل کشانند؟! بال های سنگین و سیاه پرند می شوم انحصارگری را از بیخ و بن باید کند و آزادی را خون آلود و خسته از پنجه ی ستم آن بیرون کشیده، پیش از آنکه فرصتها همه از دست بروند.

زمینه و شرایط لازم برای رشد آزاد استعدادها و شخصیت انسانی را در همه ی بخشهای اجتماعی بویژه در میان نوجوانان و جوانان کشور که ایرانمداران فردا ایند باید فراهم نمود.

فردا خیلی دیر است، گرچه امروز هم دیر شده و مردم از تلخی این زندگی پرده و توهین آمیز به جان آمده اند ولی این واپسین مجال را از دست ندهید.

به دشمن بیندیشید که در گوشه هایی از این «میهن عزیزتر از جان» جای گرفته و دلبران ایران زمین را به خون کشیده است.

خشک سری را کنار بگذارید و بجای کوشش درد گرگون جلوه دادن رویدادهای اجتماعی و دست یازیدن به راحل های غیرمردمی، راستی پیشه کنید و از گذشته بیاموزید.

ایران را دریابید و ایرانیان آزاده و رنجیده را، که زمان با شتاب در گذر است و فرصتها تنگ و کوتاهند.







ارگان حزب ملت ایران

مصاحبه با شیخ محمد خالد بارزانی

### گریه شیرها در سرزمین خود



شیخ محمد خالد بارزانی در عظیمیه کرج

زیر بار ستم وی باشد آیا شما نا آن اشی خواهید کرد و اسلحه را زمین خواهید گذارد  
ج- خیر  
س- پس هدف شما چه می‌باشد  
ج- بیش از صد سال است که بارزانیها مبارزه می‌کنند مبارزه بر علیه ستم و سلطه، این مبارزه نژادی نیست ما با ترکیه

بیکان از جمله امام خمینی نابود خواهد شد. ما هر روز در انتظار سقوط وی هستیم.

س- به نظر شما انتخاب ریگان به ریاست جمهوری امریکا چه اثری در اوضاع خاورمیانه خواهد داشت  
ج- اکنون نمی‌توانم پیش‌بینی کنم چون آگاهیهای لازم را ندارم.

س- نقش حزبهای مخالف بعث عراق را در مبارزه با صدام حسین چگونه می‌بینید.

ج- با وجودی که اکثریت مردم و حزبهای بارزانی بعث عراق مخالفند اما در درون چنان کسبیده شده‌اند که دشوار است بتواند کاری انجام دهند مگر اینکه خارج از منطقه‌های زیر نفوذ دشمن فعالیت کنند به عنوان مثال پیرامون شدت ترور و اختناق موجود در عراق باید بگویم چند روز پیش مردی در راه پیل گفته بود پیامهای رادیوی بغداد و گفته‌های ستاد ارتش عراق دروغ است و بخاطر همین سخنان بلافاصله اعدام گردید.

س- آیا هیچ یک از حزبهای مخالف رژیم بعثی عراق رابطه‌ای دارید و آیا برنامه‌ای برای همکاری با آنها در دست هست.

ج- هر چند با همه آنها در یک جبهه نیستیم ولی آرزو داریم با همه حزبهای مخالف رژیم بعث عراق همکاری نزدیک داشته باشیم و با تعدادی از این حزبهای قراردادها همکاری داریم.

س- آیا برای حمله اصلی در انتظار فرارسیدن بهار خواهید ماند.

ج- از نظر افراد کمبودی نداریم و اکنون به تدارک پرداخته‌ایم و هر روز در جبهه‌های گسترده، حمله به دشمن انجام میشود س- روحیه توده مردم رانده شده از دهکده‌های ایران و سرزمینهای سوخته گردنشین پس از آمدن شما به منطقه چگونه است.

ج- بیش از نود درصد مردم از رسیدن ما بسیار خوشحال شده‌اند آنها روحیه نوینی پیدا کرده‌اند و اگر بخواهیم هم اکنون هزاران نفر برای پیکار علیه صدام حسین به مامی پیوندند.

س- پس مردم آماده‌اند که فرمان جهاد را اجرا کنند.

ج- مردم آماده‌اند اما جهاد نیز تدارکاتی لازم دارد گذشته

شیخ محمد خالد بارزانی ار رهبران برجسته کرد که بارزانیها وی را پیشوای مذهبی خود نیز می‌دانند، پس از چند سال پناهندگی به ایران در روز یکشنبه بیستم مهرماه ۱۳۵۹ از عظیمیه کرج به همراه ادریس بارزانی و یکصد و پنجاه تن آریشمرگان کرد رهسپار جنگ با دولت نژاد گرای بعث عراق شد و بانادار کهای لازم در روز پنجم آبانماه ۱۳۵۹ از مرز استعمار ساخته گذشت و به سرزمینهای پدری خود بازگشت بعد از استقرار در قراقره چریکی حرب دموکرات کردستان عراق شیخ محمد خالد بارزانی به همراه ادریس بارزانی و گروهی آریشمرگان در روز چهاردهم آبانماه ۱۳۵۹ به رادگاه خود بارزان بیک سفر نه روزه میرود.

شیخ محمد خالد پس از این سفر در روز دوم آذرماه ۱۳۵۹ در قراقره چریکی درون خاک عراق مصاحبه‌ای با خبرنگار نامه آرمان ملت داشته است که در زیر درج میگردد.

\*\*\*

س- سفر خود به بارزان را چگونه ارزیابی میکنید  
ج- شش سال پیش مامقدس ترین مکان خود را ترک کردیم البته به اجبار و آرزو داشتیم که دوباره بازگردیم و آنجا را ریارت کنیم

س- احساس شما هنگام رسیدن به بارزان چه بود  
ج- وقتی به بارزان رسیدم گویی که در خواب هستم و تمامی راه را بیدار در خواب بودم برایم رویا بود و بسیار دچار هیجان شدم، یک حالت روحانی مراد بر گرفت از خود می‌پرسیدم آیا اینجا هستم یا خواب می‌بینم.

من و همراهم همگی غسل لازم را در آب مسجد طبق سنت مذهبی برای زیارت اماکن مقدسه انجام دادیم و وضو گرفتیم به دعاگویی مشغول شدیم که خداوند ظلم صدام حسین را زسر مردم این سرزمین بردارد، ما دچار هیجان روحی شدیدی شده بودیم و میگریستیم البته این گریه شیرها بود (در باره این گریه بیشتر توضیح میدهم که از درد نیست حتی اگر از تمامی سمان گلوله بیازد پیش مرگ گریه نمی‌کند، این گریه نه ترس ه اندوه نه هیچ چیز دیگر است بلکه از یک اعتقاد دینی بر چشمه میگیرد، مانند هنگامیکه امام حمینی سخن میگوید مردم به گریه می‌افتند).

دشمن ماصدام حسین گمان میکرد با اعمالی که انجام داده از برای همیشه از این سرزمین مقدس بیرون رانده و حاکم رهمه چیر شده است ولی سالیانی که به خداوند داریم بیداریم که این سرزمین به مردم تعلق دارد.



شیخ محمد خالد بارزانی و ادریس بارزانی هنگام بدرقه رزمنده زخمی شده علی گودرزی

از جنبه نظامی، جنبه اقتصادی نیز برای ما طرح است. س- چه پیامی برای مردم ایران دارید.

ج- مردم ایران را که اکنون در جمهوری اسلامی هستند برادر خود میدانیم ماهیچ فرقی میان خود و مردم ایران قائل نیستیم و اگر دشمنان تفاوتی میان این مردم می‌گذارند مانمی گذاریم و همه مسلمان و یگانهایم.

ما برای ایران آرزوی سربلندی و پیروزی داریم چون فکر میکنیم پیروزی آنها پیروزی ماست.



شیخ محمد خالد بارزانی در قراقره جنگی خود در خاک عراق

س- آینده جنگ ایران و عراق را چگونه می‌بینید  
ج- اگر ایران جنگ را ادامه ندهد نه نظر من رژیم بعثی اق از بین میرود، چون اکثریت مردم با آن دشمن هستند و ر تا به امروز هم پابرجا مانده و ایستادگی کرده نه واسطه کهای ابرقدرتها بوده است.

س- اگر در همین شرایط جنگ متوقف شود و صدام بین خواستهای شما را بپذیرد اما دیگر مردم عراق همچنان

### به تهدید آمریکا پاسخی شایسته دهید

امپریالیسم آمریکا در اندیشه ل کردن دشواری حاسوسان داشت شده خود نیست بلکه اندیشه فرو کوفتن حبش‌های ثبیحش در خاورمیانه و صدمه ن بر انقلاب اسلامی ملت ایران می‌باشد. و ی رسیدن به این هدفها بر وسیلهای سود می‌جوید یک بهترین وسیله‌ای که آن احرای خواستهای پلیدش ن می‌رساند موضوع حاسوسان اشت شده است.

دولت آمریکا بر اساس خواستهای امپریالیستی خویش، نمی‌تواند از این منطقه چشم ببوشد و نمی‌تواند مردم منطقه را به حال خود رها کند و چون در منطقه اصلی‌ترین هم‌اورد آن و پایداترین نیروی مبارز صد امپریالیستی، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، پس بایروزی اهریمنی که دارد برای ضربه

ردن برای نظام بویا بسیج شده است و در اجرای این خواسته، دولت آمریکا می‌کوشد در رمیسه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و روانی، جمهوری اسلامی ایران را درگیر سازد. طفره رفتن امپریالیسم آمریکا گفتگوهایی که به تعیین تکلیف حاسوسان بارداشتی بستگی دارد، اکنون بر هیچکس پوشیده نیست و در کنار این طفره‌روی سیاستگران امریکائی دست به تهدید روشن هم رده‌اند. در خبرها آمده است که دولت آمریکا اعلام داشته است چنانچه تا تاریخ سی ام دی (بیستم ژانویه) که ریگان به کاخ سفید میرود، حاسوسان بارداشت شده آزاد نشوند، همه سیاست خود را در ایران ارنو «مرور» خواهد کرد.

امپریالیسم آمریکا نیک میدانند که سیاست خود را در ایران در بیست و دو ماه گذشته بارها مرور کرده و در هر مرور تصمیم تازه‌ای اتخاذ نموده و هر بار هم با شکست دردناکتری رو به رو گردیده است و هر مرور دیگری هم که انجام بدهد و هر شیوه‌ای هم که پیش بگیرد، به نتیجه‌هایی میرسد همانند گذشته. دولت آمریکا آنچه سواسته علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داده و اگر نه تهدید دست میرسد به امید بهره‌برداری‌های روانی و سیاسی است. دولت آمریکا می‌خواهد با اینگونه مانورها مردوران پریشان شده خود را قوت قلب سحشد و آنها را در ادامه تالشهایشان دلگرم سارد تا آتش فتنه علیه

جمهوری اسلامی ایران خاموش نشود. دولت ایران نباید بیش از این، محالی به امپریالیسم آمریکا بدهد و بحاست که هر چه زودتر این ماحرا را پایان بخشد و «بساط اندازی سیاسی» آمریکا و دست نشاندگانش را برچیند. باید هر امید امریکای جهان‌نخور و هر دستاویز آن را از میان برداشت و بی‌وقت گذرانی، ترتیب دادرسی حاسوسان بارداشت شده را فراهم آورد و برای هر کدام کیفری در حور تعیین کرد. درنگ کردن در دادرسی حاسوسان دیگر نه هیچ‌روی روا نیست باید به تهدید دولت آمریکا پاسخی شایسته داد. باید همه قدرتمندان جهان را آگاه ساخت که جمهوری اسلامی ایران در برابر هر فشار و زوری با

همه توان به ایستادگی بر خواهد خاست. باید یکبار و برای همیشه این تنخواه‌گردان سیاسی امپریالیسم آمریکا را گرفت و هر زمینه تحریر و توطئه را از آن بازستاند. باید فرصت نداد که این ابر قدرت شیوه‌های شناخته شده خود را هر چند بی‌حاصل، علیه ایران بکار گیرد. تنها راه رسیدن به این هدف هم، دادرسی هر چه زودتر حاسوسان بازداشت شده است. چنین داوری بی‌گفتگو دفتر بسیاری از توطئه‌ها و سياهکاری‌های دولت آمریکا و دست نشاندگانش را بر می‌بندد.

### از خبرهای هفته

## مخالفت شورای نگهبان با قانون دیوان محاسبات

قانون دیوان محاسبات که بتازگی بصورت ماده واحده به تصویب مجلس رسید، مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفت.

در نامه‌ای که باامضای دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس نوشته شده چنین آمده است «ماده واحده بصورتی که تنظیم گردیده و مخصوص باتوجه به بندسه آن که ناظر بر قانون سابق دیوان محاسبات است، دیوان محاسبات را نوعی محکمه قضائی اختصاصی قرار میدهد که بااصل پنجاه و پنج و صراحت اصل شصت و یک قانون اساسی مغایرت دارد.»

## اعتصاب غذای چهار صد زندانی سیاسی در بحرین

جبهه‌ی آزادیبخش بحرین اعلام کرد چهار صد زندانی سیاسی از دوهفته پیش در زندانهای بحرین بخاطر اعمال شکنجه و جلوگیری از انجام وظایف مذهبی دست به اعتصاب غذا زده‌اند و همچنان در حال اعتصاب هستند.

در اطلاعیه‌ای که این جبهه در بیروت منتشر کرده است همچنین گفته شده تعدادی از اعتصاب کنندگان به یک بیمارستان نظامی منتقل گردیده‌اند که حال دوازده نفر از آنان بسیار وخیم است.

در این اعلامیه ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه پلیس بحرین، از تمام جنبشهای آزادیبخش (اسلامی) و کمیته حقوق بشر خواسته شده است برای جلوگیری از فشار بر زندانیان سیاسی بحرین، اقدامهای فوری بعمل آورند.

## برنامه هیئت ایرانی در کنفرانس اوپک!

رئیس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس اوپک، که در بالی اندونزی تشکیل میشود، به خبرنگاران گفت: «مسأله اساسی در این کنفرانس، از نظر هیئت ایرانی، موضوع برادر تندگویان (وزیر نفت بوده شده ایران) است و ایران در این خصوص اصرار خواهد کرد. باید برادران ما در کنفرانس اوپک به حقایق جنگ تحمیلی عراق بر ایران آگاهی یابند و براساس این حقایق تجاوز عراق به ایران را محکوم کنند و آزادی فوری برادر تندگویان را خواستار شوند.»

بدیهی است پس از حصول این مقصود، یعنی روشن شدن موضع ایران، طرح موضوع تولید و تعیین قیمت نفت، اهمیت ویژهای را دارا میباشد.»

## خود کفائی در واردات

براساس آمار ارائه شده توسط «بنگاه دام و گوشت استرالیا»، صادرات گوشت این کشور به ایران، از بعد از انقلاب، بیش از ششصد درصد (!) افزایش یافته است.

براساس این آمار در مدت یکسال، از ژوئن ۱۹۷۹ تا ژوئن ۱۹۸۰، (خرداد ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۵۹) استرالیا بر رویهم سیویکهار و نهصد و هشتاد تن گوشت به ایران صادر کرده‌است، در حالیکه صادرات گوشت در مدت مشابه سال قبل از آن حدود چهار هزار و ششصد و هشتاد تن بوده‌است. نکته‌ی جالبتر آنست که این آمار به نقل از نشریه‌ی قاهانه «مرکز توسعه‌ی صادرات» وزارت بازرگانی در روزنامه‌ها به چاپ رسیده است.

## ایران روزانه چهار صد هزار بشکه نفت صادر میکند

هفته گذشته رادیو لندن گزارش داد که دولت ایران به دولت «سریلانکا» اطلاع داده است که صدور نفت را به آن کشور از سر خواهد گرفت.

در این خبر آمده‌است که ایران در این هفته ششصدوسی هزار بشکه نفت به کلمبو ارسال خواهد داشت.

براساس همین گزارش مقامهای آگاه گفته‌اند که ایران قادر است روزانه چهار صد هزار بشکه نفت از طریق ترمینال خارک و تأسیسات جزیره لاوان صادر کند.

## گزارش سالانه سازمان عفو بین‌المللی

براساس گزارش خبرگزاری یونایتدپرس از لندن، سازمان عفو بین‌المللی در گزارش سالانه خود اعلام کرد نیمی از کشورهای جهان هزاران نفر را بخاطر عقیده سیاسی و یا مذهبی بازداشت، شکنجه و اعدام میکنند.

## یاد استاد شهید، کامران نجات‌اللهی

### جمعه پنجم دیماه در بهشت زهرا

مادر استاد شهید کامران نجات‌اللهی در پیامی از همه مردم از همه «استادان، دانشجویان و شیفتگان راه آزادی» خواسته است که روز جمعه پنجم دی ماه در قطعه ۲۴ بهشت زهرا بر مزار فرزند بخون خفته‌اش گرد هم آیند و «تجدید پیمان» کنند.

این مادر دلیر در پیام خود نوشته است: «زمانیکه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، عراق را اجبارا ترک و رهسپار فرانسه شدند، هیئت علمی دانشگاهیان ایران بجوش و خروش درآمدند و عمل توطئه آمیز و خلاف حقوق بشر حکومت عراق و کویت را در تبعید و عدم پذیرش رهبر شیعیان جهان بشدت تقبیح نمودند و از دولت فرانسه و دانشگاهیان آن کشور خواستند از هرگونه احترام شایسته بمقام شامخ و شخصیت ممتاز و منزلت والای امام خمینی دریغ ندارند.»

استادان دلیر و مبارز و دانشگاهیان ما در دیماه ۱۳۵۷ در بحرانی ترین و حساسترین ایام اختناق مملکت گام دیگری در میدان سهمگین‌ترین مبارزات تاریخ نهادند و برای درهم کوبیدن رژیم سلطنتی و دفاع از آزادی به پیش رفتند و با تحصن خونین خود در دانشگاه تهران و وزارت علوم وارد میدان مبارزه گردیدند تا پیکر دولت نظامی را درهم بکوبند و فریاد عدالت خواهی و بازگشائی دانشگاههای ایران را بگوش جهانیان برسانند، این تحصن خونین که منجر به شهادت غرور آفرین فرزند سرفراز کامران نجات‌اللهی گردید برای همیشه در تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ما جاودان و قروزان خواهد ماند، آری شهادت حماسه آفرین کامران در اوج انقلاب ایران چون جرقه‌ای بر خرمن مبارزات قهرمانانه ملت غیور و مسلمان ما، آتشی عظیم برافروخت و هر قطره از خون پاکش سیلی از خون در رگهای شیفتگان آزادی بتلاطم درآورد.

مگر ملت غیور ایران فراموش میکند که مامورین انتظامی شاه خونخوار و جلاذ جنگیزوار در نیمه شب بمحل تحصن استادان حمله‌ور گردیدند و با ایجاد رعب و وحشت واضطراب و تیراندازی و چوب و چماق و باتوم و سرنیزه و ایراد ضرب و شتم و جرح، اساتید مبارز ما را بخون کشیدند و از تحصن خارج نمودند و برندان بردند.

مگر ملت غیور ایران فراموش میکند که تحصن خونین دانشگاهیان و خون جوشان و حروش کامران نجات‌اللهی چون قله آتش‌فشانی به غلیان درآمد و انقلاب ما را نیزتر نمود و در مراسم خونین تشییع جنازه و یادبودها در سراسر ایران بصورت قربانگامی جاودانی صدها شهید و مجروح بجای گذاشت و با فریاد (الله اکبر) کاخ ظلم و ستم دودمان سگین استبداد را طعمه امواج خود نمود.»

## درباره موافقتنامه جدید ایران و روسیه

خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری فرانسه از تهران- «محافل آگاه در تهران معتقد هستند که تصویب موافقتنامه ترانزیت گالاهای وارداتی ایران از طریق شوروی بوسیله مجلس اسلامی به اقتصاد ایران که در اثر جنگ و تحریم کشورهای اروپائی با دشواریهای روبه‌رو شده، جان تازه‌ای خواهد بخشید.

ولی همین محافل تأکید میکنند که بهبود اوضاع اقتصادی موقتی خواهد بود، چون راههای زمینی و راه‌آهن جای راههای دریائی را پر نمیکند. بویژه باید در نظر داشت که با آمدن زمستان، و کمانالهای مورد استفاده در شوروی یخ میندند.

گالاهای وارداتی از طریق آستارا و جلفا به ایران میرسد ولی گمرک جلفا اغلب بسیار شلوغ میباشد و راه ترانزیت رودخانه‌ها و کانالهای شوروی نیز وجود دارد، که میتوان از طریق آنها کالا را بدون توقف از دریای شمال و دریای سیاه تابندر انزلی حمل کرد، ولی ظرفیت محدود این بندر و یخ بستن راههای آبی شوروی سبب میشوند که این یک راه حل جنبی بحساب آید.»

این خبرگزاری در پایان تفسیر خود میافزاید: «... با وجود این، برغم محدودیت‌های فوق، موافقتنامه ترانزیت ایران و شوروی یک برگ برنده سیاسی برای رهبران ایران بحساب می‌آید و در حقیقت به اطمینان خاطر که بمردم در مورد تأمین مواد غذایی داده شده، ارزش بیشتری میدهد.»

## نامه‌های رسیده

### آقای عبدالکریم کریمی‌پور از شیراز

طی نامه به پیشگاه زعیم عالیقدر امام خمینی که رونوشت آنرا برای رئیس جمهور و نخست‌وزیر و بعضی نمایندگان ملت و روزنامه‌ها و نیز آرمان ملت فرستاده است می‌نویسد:

«اینجناب عبدالکریم کریمی‌پور از طرف حدود ۲۰۰ هزار نفر آواره و مصیبت دیده‌های جنگ خوزستان مهاجر و سرگردان و بلا تکلیف در شیراز به عرض و اطلاع میرساند همانطوریکه اطلاع دارید خونین شهر و آبادان برخلاف سایر شهرهای ایران و به علت وضع خاص جغرافیائی و طبیعی و مرزی فاقد پناهگاه و زیرزمین مطمئن بوده و بهمین علت اماکن و مردم آسیب پذیر بوده و مرتباً مورد هدف بمب‌ها، و موشکها، خمپاره‌ها و تیراندازیهای هوائی و زمینی قرار می‌گرفتند و تلفات زیادی دیدند و مردم این دو شهر بر حسب وظیفه‌ای که داشتند اکثراً تا آخرین روزهای ورود لشکر دشمن از شهر خود دفاع کردند و پس از پیام رادیوئی مسئولین جوانان مبارز خود را برای ادامه دفاع در محل گذاشته با بجا گذاشتن کلیه وسایل زندگی و سرمایه خود با دست خالی به همراه یک تا چند شهید و زخمی با شهر خود وداع کرده و به شیراز و سایر شهرها مهاجرت کردند و در مدت گذشته هزاران جوان را تشویق به رفتن به جبهه و جنگ با دشمن نموده و مینمائیم در شیراز برخلاف تمام شهرها و تصور و انتظار به علت تبلیغات وسیع و سوئی که مرتباً وسیله اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها در محافل عمومی و از رادیو و تلویزیون و در بعضی از جراید شده باعث تحریک و ناراحتی‌های عمومی گردید و مردم خوزستان را با تنفر و درگیری با بعضی از اشخاص غیر مسئول مواجه کردند تا حدی که بعضی عوامل را علیه مردم جنگ زده بسیج کردند مثلاً کودکان زنان و مردان پیر و جوان را در مدرسه و اردوگاهها به عنوان ستون پنجم یا فراری صدا و مـورد تـمسخر و تحقیر و بی‌احترامی و اذیت و آزار قرار داده و هرروز عده‌ای شناخته شده را بین مردم جنگ زده می‌فرستند تا اگر آنها در حال اجتماع و تعریف از مسائل جنگ با دشمن باشند درگیری ایجاد و سپس آنها را دستگیر و بنام شایعه‌ساز و سایر اتهامات واهی و ساختگی زندانی و طبق اظهار اکثر دستگیرشدگان کتک مفصلی خورده‌اند. اجازه اجتماع حتی در مساجد به خوزستانی‌ها داده نمیشود در مساجد را بروی جنگ‌زده‌ها می‌بندند در بازار شیراز به خانواده‌های ما جنس نمی‌فروشند اگر هم فروختند جزئی یا گران- خانه به ما اجازه نمیدهند تا امروز چندین درگیری و دستگیری و مسائلی به وجود آورده‌اند که بخدا قسم خاطره صحرای کربلا و مصیبت شام غریبان را تکرار کردند که حتی باعث ناراحتی بعضی از مردم اصیل و خوب شیراز شده‌اند متأسفانه مسئولین محترم استان فارس و رادیو تلویزیون و خبرنگاران جراید با سلب مسئولیت و بی‌تفاوتی ناظر بر تمام مسائل بوده‌اند و تا امروز حتی حاضر به شنیدن درد مردم جنگ‌زده نشده‌اند ضمناً به اطلاع میرسانم که عملکرد ستاد کمک به جنگ‌زدگان خوزستان در شیراز روی اصول صحیح نبوده و تاکنون یک درصد کمک‌های مردم سراسر دنیا به جنگ‌زدگان خوزستان در اختیار آنها قرار نگرفته بدینوسیله کلیه اتهاماتی که به مردم جنگ‌زده می‌انست داده شده بی‌اساس دانسته و از مقامات و مسئولین محترم و رهبران گرامی تقاضای رسیدگی مینمائیم.»

### آقای غلامحسین نیکو حرف از تهران

طی نامه‌ای می‌نویسد «برای نخستین بار هفته‌نامه آرمان ملت (شماره ۳۲) را مطالعه نمودم. بدون اغراق مطالب آن بخصوص «دانشگاهها و مدرسه‌های عالی را باز کنید» انتقاد رهنمودی است برسانندگی، «مردم را در تنگنا نذارید» و «بیکاری را گسترش ندهید» مرا تحت تأثیر قرار داد.

وی سپس در نامه خود مینویسد «من به ایران بیش از و پیش از هر چیز اعتقاد دارم و برخلاف بسیاری که وطن را در درجه دوم اهمیت بحساب می‌آورند از این کار پرهیز می‌نمایم و دلیل هم براین عقیده اینستکه اعتقاد به اسلام در درون هر فرد است و چون لمس کردنی نمی‌باشد در صورت وجود این سران، با

هر فرد از بین رفتنی هم نیست و میتوان همیشه اعتقاد به آنرا حفظ کرد حتی اگر وطن نداشته باشد.

آیا فلسطینیها بخاطر دینشان می‌جنگند یا وطنشان؟ آیا در حال که وطن آنها در اختیارشان نیست نمیتوانند اعتقاد به دینشان داشته باشند؟ پس برای چه در حال حاضر می‌جنگند؟»

# سرنگون باد حکومت نژاد گرای بعث عراق